

رد پای اندیشه‌های غزالی در تحفة الوزراء علی بن مجدالدین شاهرودی بسطامی (مصنفک)

میناسادات امیرآفتابی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۲

اصغر دادبه**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۶

چکیده

کتاب «احیاء علوم الدین» را کارنامه گرانقدر غزالی در دوران عزلت او دانسته‌اند. این اثر اگرچه مخالفان و موافقان بی‌شمار داشته اما تأثیری ماندگار بر بزرگان علم و ادب بر جای گذاشته است. «تحفة الوزراء» اگرچه چهار قرن بعد از تصنیف «احیاء علوم الدین» به رشته تحریر درآمده اما در زمره آثاری محسوب می‌شود که از روش کار غزالی در تبویب و تقسیم علوم و اخلاق تأثیر پذیرفته است. البته این تأثیرپذیری منحصر به ساختار اثر نیست بلکه اشتراک و شباهت شرایط اجتماعی هر دو مصنف، پایه‌ها و ساختار فکری و اندیشه‌های سیاسی آنان و منابع و مآخذ این دو اثر، به خوبی تأثیر رویکرد و اندیشه‌های غزالی را بر علی شاهرودی بسطامی نمایان می‌سازد. اهتمام نگارنده در این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی نسخه «تحفة الوزراء» و مؤلف آن به تأثیر و بارتاب اندیشه‌های غزالی در «احیاء علوم» بر این اثر، بپردازد. اهمیت این نگاشته از یک سو در پرداختن به اثری است که در جامعه‌ای غیر فارسی زبان تصنیف شده و نگارنده آن چون خود اثر، تا کنون ناشناخته باقی مانده است و از سوی دیگر تأثیر متمایز و موسع غزالی را در طول تاریخ فرهنگ اسلامی آشکار می‌سازد.

کلیدواژگان: غزالی، احیاء علوم الدین، مصنفک، تحفة الوزراء.

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

minaamirafatabi@gmail.com

** استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: میناسادات امیرآفتابی

مقدمه

بی‌گمان پژوهش در زمینه تأثیر آراء و نظریات *غزالی* در حوزه‌های تفکر اسلامی، چون اخلاق، فلسفه، کلام، فقه و تفسیر کاری فراتر از حجم این پژوهش است. اما مبرهن است که افکار و اندیشه‌های وی موافقان و مخالفانی جدی داشته است. چنانکه برخی او را در جایگاه یک قدیس دیده و گروهی دیگر بر او جفا روا داشته و کار را به جایی رسانده‌اند که گویی او از هر فضیلتی تهی است. اما واقعیت آن است تا اندیشه‌های بزرگان، در معرض نقدهای عالمانه قرار نگیرد، نهال معرفت بشری، عموماً و تفکر دینی، خصوصاً بارور نخواهد شد. با وجود واکنش‌های متفاوت و متعارض نسبت به *غزالی* و «احیاء علوم»، نمی‌توان تأثیر آن اندیشه‌ها را بر عرصه علم و ادب انکار کرد.

بهترین تلخیص از «احیاء علوم» به وسیله خود *غزالی* به رشته تحریر درآمد و بر آن نام «کیمیای سعادت» نهاد. بزرگان دیگری به تهذیب و ترجمه «احیاء» اقدام کردند و بدین صورت دسترسی به متن «احیاء علوم» آسان گردید.

«کتب اخلاقی» جامع السعادات» از ملا مهدی *نراقی* و «معراج السعادة» از ملا/احمد *نراقی*، آشکارا متأثر از «احیاء علوم» *غزالی* است. از میان عارفان و ادیبان پارسی زبان هم دو شاعر بزرگ هم‌زمان، یعنی سعدی در «گلستان» و «بوستان»، و *مولوی* در «مثنوی» از افکار *غزالی* و خصوصاً از «احیاء علوم الدین»، تأثیر بسیار پذیرفته‌اند؛ به طوری که اگر مقوله عشق و توابع و لوازم آن را از «مثنوی» حذف کنیم، آنچه می‌ماند به تقریب بیان تازه و دلنشین و شاعرانه‌ای از تعلیمات/بوحامد در «احیاء علوم» است. نظریه غفلت *غزالی*، در «مثنوی» بازتاب گسترده‌ای یافته است. همچنین است طعن در کلام و فلسفه و تقدم بخشیدن به علوم شهودی و الهامی و بیخودانه بودن دعای متوکلان و دعا نکردن آنان و شرک سوز بودن عشق و به خواری نگریستن در کفار و کثیری از موارد دیگر. سعدی نیز از نخستین سطر «گلستان» که می‌گوید: «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب» اقتباس و تأثیر خود را از «احیاء علوم» می‌نماید و آنجا که در تربیت فرزندان می‌گوید: «چوب تر را چنانکه خواهی پیچ/ نشود خشک جز به آتش راست» عین عبارت *غزالی* را در کتاب «المراقبة والمحاسبة» را ترجمه می‌کند. داستان بیرون آمدن بایزید از گرمابه و خاکستر ریختن بر سر او، نیز دوبار در دو موضوع

«احیاء» آمده است. به علاوه روح تربیتی حاکم بر «بوستان» سعدی، صبغه تأثیر شدید از غزالی را دارد. جدال سعدی با مدعی در بیان توان‌گری و درویشی، نیز تحریر ادیبانه و پرداخت داستان نویسانه‌ای از بحث غزالی در باب تفضیل فقر بر غنا و نقد ملایمی است از سعدی که پرورده نعمت بزرگان است نسبت به آن «سروش، ۱۳۹۲: ج ۷، دایرة المعارف اسلامی، مدخل احیاء علوم». تأثیر اندیشه‌های غزالی در طول تاریخ فرهنگ ایرانی - اسلامی تداوم داشت چنانکه در زمان خلافت عثمانی اندرزنامه سیاسی «تحفة الوزراء» که در واقع گونه‌ای از شریعت‌نامه نویسی است تحت تأثیر اندیشه و رویکرد غزالی تصنیف شد. علی بن مجدالدین شاهرودی مشهور به مصنفک «تحفة الوزراء» را در سال ۸۶۱ تألیف نمود. این اثر خلاصه شده کتاب «تحفة السلاطین» است که برای سلطان محمد فاتح نگاشته شد و به درخواست محمود پاشا، وزیر سلطان محمد فاتح، زبده و گزیده «تحفة السلاطین»، تصنیف و بر آن نام «تحفة الوزراء یا تحفة المحمودیة» نهاده شد، همانگونه که «کیمیای سعادت» نسخه موجز و مختصر «احیاء علوم» بود.

«تحفة الوزراء» در آغاز، تبویب اثر، فصل بندی باب‌ها و انجام؛ مشابهت‌هایی با «احیاء علوم» دارد. نقل قول‌های متعدد از ابوحامد محمد غزالی به نقل از «احیاء»، بهره‌گیری از منابع و مآخذ مشترک، اندیشه‌های سیاسی و دینی مشترک از جمله بارزترین وجوه تشابه دو اثر است. با توجه به جایگاه علمی و فقهی مصنفک در دربار عثمانی، تسلط او به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی و دسترسی به منابع مهم علمی و ادبی فارسی، این تأثیر و تأثر امری غریب و شگفت‌آور نیست. عشق مؤلف «تحفة الوزراء» به شریعت اسلام، اشتیاق وی به تصوف، جایگاه او در درگاه خلیفه عثمانی و علاقه او به اصلاح امور مردم، از انگیزه‌های وی در خلق این اثر محسوب می‌شود. او در این مسیر با تألیف اندرزنامه‌ای سیاسی، جایگاه شریعت را به سلاطین عثمانی یادآوری می‌نماید و در این مسیر از تجربه غزالی در «احیاء علوم» مدد می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه تأثیر آراء و اندیشه‌های غزالی بر بزرگان ایران زمین پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است و با توجه به چند بعدی بودن شخصیت غزالی، هر کدام از وجهی به

غزالی و تأثیر آثار و اندیشه‌های او پرداخته‌اند که نگاه اجمالی به برخی از آن‌ها ضروری است.

- مقاله «دیدگاه عرفانی سنایی متأثر از غزالی»، نوشته فرهاد کاکه رش، در فصلنامه ادبیات فارسی، سال چهارم، شماره ۱۱ سال ۸۷. این پژوهش ضمن پرداختن به عصر و زمانه غزالی و سنایی، به اشتراک دیدگاه آن دو در مراحل سیر و سلوک پرداخته و تصوف مورد قبول آنان را مبتنی بر شریعت دانسته است، و بر همین مبنا است که غزالی و سنایی اخلاق دینی را بر مبانی آموزه‌های عرفانی تلطیف و اصول علمی و نظری عرفانی را در آثارشان تبیین و تعدیل کرده‌اند.

- مقاله «تأثیر دو جانبه غزالی بر اشراق سهروردی و عرفان ابن عربی»، نوشته محمود زرعت پیشه، استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه بیرجند، ارائه شده در کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات تربیت حیدریه. این پژوهش تأکید بر ریشه‌های مشترک فلسفه و تصوف در دو جریان فکری اشراق سهروردی و عرفان ابن عربی دارد و در این زمینه با اشاره به غزالی و علایق صوفیانه وی، یادآوری می‌کند که تصوف غزالی عاری از اندیشه‌های نظری نبوده چنانکه فلسفه او هم خالی از سیر و سلوک نیست و این رویکرد دوجانبه او، دو جریان متفاوت را رقم می‌زند. فلسفه‌ای صوفیانه (اشراق سهروردی) و تصوفی فیلسوفانه (عرفان ابن عربی).

- پایان نامه «بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی از دیدگاه غزالی و ملاصدرا»، نوشته یعقوب شیخ زاده (۱۳۹۲). این پژوهش در آنجا به مبانی مشترک تربیت در غزالی و ملاصدرا پرداخته و روش استفاده از الگو تربیتی، ارزیابی خود، مراقبه و انجام فرائض از مشترکات آن دو است اما غزالی در تربیت و ریاضت نفس و ملاصدرا بر عادت همراه با نیت‌اش تأکید دارد.

از دیگر پژوهش‌های تطبیقی که به غزالی و جایگاه اندیشه او در افکار و آثار سایرین پرداخته است می‌توان به نمونه‌های دیگری اشاره نمود: بررسی تطبیقی دیدگاه غزالی و نل نادینگر درباره تربیت اخلاقی، نقد تطبیقی دیدگاه غزالی و کانت درباره رابطه اخلاق و دین. مقایسه تطبیقی عقلانیت باورهای دینی از دیدگاه غزالی و ملاصدرا و... که جهت

پرهیز از تطویل کلام از بسط آن خودداری می‌شود. با توجه به ناشناخته بودن مصنفک و آثار وی، پژوهش اخیر ظرفیت آن را دارد که بدیع و نو باشد.

غزالی و اثر احیاء علوم الدین

دوران حیات ابوحماد محمد غزالی را به چند دوره تقسیم کرد: دوره اول ۴۵۰ق تا سال ۴۶۵ق که دوران اولیه تحصیلات وی را در بر می‌گیرد. غزالی در آغاز نزد احمد رادکانی در طوس و سپس نزد ابونصر اسماعیلی (از دعوات اسماعیلیه) در جرجان علم‌آموزی کرد (سبکی، ۱۳۸۸ق: ج ۶، ۱۹۵).

دوره دوم حیات وی سال‌های ۴۶۵ تا ۴۷۸ را در بر می‌گیرد. در این دوره وی به نیشابور رفت و به مدت پنج سال در نظامیه نیشابور، شاگرد ابوالمعالی امام الحرمین جوینی بود و مرگ استاد وی، پایان تحصیل ابوحماد در نیشابور بود (غزالی، ۱۳۹۴ق: ۸۵). دوره سوم حیات غزالی از سال ۴۷۸ق تا سال ۴۸۷ق را شامل می‌شود در این سال‌ها ابوحماد به نظام الملک پیوست و چند سال بعد به توصیه و صواب دید وی، استادی نظامیه بغداد را پذیرفت و با شکوه بسیار وارد بغداد شد (ابن عساکر، ۱۹۸۳م: ۹۲۰/۱۵). در این دوره است که ناپایداری‌های روحی او آغاز شد و این شرایط در نهایت منجر به ترک نظامیه بغداد گشت. در این سال‌ها او به تدریس کلام اشعری و فقه شافعی اشتغال داشت و احوال روحی خود را بر ابوعلی فارمدی عرضه می‌کرد و از او درس تصوف می‌گرفت (زبیدی، ۱۳۱۱ق: ۱۹/۱) اگرچه چند و چون این تعلیم آشکار نیست.

دوره چهارم حیات وی سال‌های ۴۸۸ تا ۴۹۸ را شامل می‌شود. در رجب ۴۸۸ شوریذگی چنان گریبان وی را گرفت که شش ماه مسند تدریس را رها کرد، و برادر را به جای خود به کرسی تدریس نشانند. در همان سال با حجاج، بغداد را ترک کرد اما به حجاز رفت و عازم شام شد. در این ایام بود که خلوت گزید (همان: ۱/۷-۸) و به مطالعه آثاری چون «قوت القلوب» ابوطالب مکی، آثار شبلی، جنید، بایزید، حارث محاسبی و رساله ابوالقاسم قشیری و «الذریعة» راعب اصفهانی پرداخت (همان: ۴/۱). دوره آخر زندگانی غزالی از سال ۴۹۹ تا ۵۰۵ را در بر می‌گیرد. در این دوران اندوخته‌های علمی و روحی غزالی به تصنیف «احیاء علوم الدین» می‌انجامد که مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر وی

محسوب می‌شود. عصر *غزالی*، عصر تشنت فکری است. یکی از مهم‌ترین تشنت‌های فکری، تضاد بین فلسفه و دین بود که *غزالی* در کتاب معروف «تهافت الفلاسفة» تلاش کرد تا این نزاع را به سود دین به پایان ببرد (ایزدی اودلو، ۱۳۸۴: ۲۷). این دوره مجادلات فکری و مذهبی و مناقشه‌های فرقه‌ای اوج می‌گیرد و اسلام از مجرای اصلی خود خارج شده آنگونه که اعتقاد مردم در اصول، سستی می‌گیرد و *غزالی* در این شرایط چهار گروه را مسبب سستی عقیده و بی‌ایمانی مردم می‌داند: اول فیلسوفان، دوم آن‌ها که از تصوف دم می‌زنند و سوم آن‌ها که مردم را به کیش اسماعیلی و باطنی می‌خوانند و چهارم فقها و متکلمان (الفاخوری و الجری، ۱۳۷۷: ۵۸۷-۵۸۸).

نام کتاب «احیاء علوم» حکایت از شرایط روزگار خویش دارد. «احیاء العلوم» کتابی است بزرگ در حدود ۱۶۰۰ صفحه و منقسم به چهار بخش عبادات، عادات، مهلکات و منجیات که هر یک از این بخش‌ها مشتمل بر ده کتاب است.

ربع عبادات شامل کتاب العلم، قواعد العقاید، اسرار الطهاره، اسرار الصلاة، اسرار الزکاه، اسرار الصوم، اسرار الحج، آداب تلاوة القرآن، الأذکار والدعوات وترتیب الأوراد.

ربع عادات شامل کتاب آداب الأکل، آداب النکاح، آداب الکسب والمعاش، الحلال والحرام، آداب الالفه والاخوة، آداب العزله، آداب السفر، آداب السماع والوجد، الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، آداب المعیشة وأخلاق النبوه.

ربع مهلکات شامل کتاب شرح عجائب القلب، ریاضة النفس، کسر الشهوتین، آفات اللسان، ذم الغضب والحقد والحسد، ذم الدنيا، ذم البخل وذم حب المال، ذم الجاه والریاء، ذم الکبر والعجب وذم الغرور.

ربع منجیات که شامل کتاب التوبه، کتاب الصبر والشکر، الخوف والرجاء، الفقر والزهد، التوحید والتوکل، المحبة والشوق والأنس والرضا، النیة والاخلاص والصدق، المراقبة والمحاسبه، الفکر وکتاب ذکر الموت وما بعده.

در ربع عبادات، رابطه آدمی با خالق و در ربع عادات، روابط آدمیان با یکدیگر و در دو ربع مهلکات و منجیات، رابطه آدمی با خویشتن مورد کاوش قرار می‌گیرد. این نحوه تدوین چنانکه *غزالی* در مقدمه احیاء یادآوری می‌کند برگرفته از کتب فقه است. ربع‌های یادشده به لحاظ کمی مساوی نیستند. کوچک‌ترین ربع آن عبادات و بزرگ‌ترین آن

منجیات است. این کتاب‌ها عموماً با خطبه‌ای مناسب موضوع آغاز می‌شود و آنگاه آیات و اخباری مناسب آن‌ها در فصول جداگانه آورده می‌شود، و سپس به بیان حقیقت موضوع و فروع آن می‌پردازد (سروش، ۱۳۹۲: ۲).

«نام این کتاب به روشنی گواهی می‌دهد که هدف از تصنیف «احیاء علوم» چه بوده است. ابو حامد باور داشت که فقها و متکلمان و واعظان هم‌روزگار وی، نه درد دین دارند و نه درس دین می‌دهند. درد دین ندارند چراکه شیطان بر اکثر آنان چیره شده است و طغیان، آنان را از راه به در برده است، درس دین نمی‌دهند چراکه علم دین در قضا و حکومت و جدل ورزی و اندرزگویی‌های مسجع که پیشه فقها و متکلمان و واعظان است، خلاصه نمی‌شود و آنچه در این میان متروک افتاده است، علم آخرت و سیره صالحان سلف است. با چنین تجربه و تشخیصی است که غزالی به «احیاء علوم الدین» دست می‌برد» (همان: ۳).

«احیاء علوم» پس از تدوین مورد بحث، نقد، رد و تلخیص قرار گرفت. نشر وسیع آن در بلاد و ممالک اسلامی واکنش‌های مثبت و منفی فراوان برانگیخت، تا آنجا که غزالی خود اولین پاسخ به این واکنش‌ها را در کتاب «الاملاء عن اشکالات الاحیاء» آورد. بهترین خلاصه از «احیاء علوم» به دست خود مصنف به فارسی به نام «کیمیای سعادت» تهیه شد. «لباب الاحیاء» از احمد غزالی و «منهاج القاصدین» از ابن جوزی در زمره تلخیص‌های مهم دیگری هستند که از «احیاء علوم» به عمل آمده است. تنها ترجمه کامل فارسی «احیاء علوم» از مؤیدالدین محمد خوارزمی در سال ۶۲۰ق به اشاره شمس‌الدین التتمش پادشاه هند فراهم آمده که علاوه بر ترجمه احیاء در بردارنده آراء مذاهب دیگر است. ممتازترین شرح بر احیاء، به وسیله ملامحسن فیض کاشانی در کتاب «المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء» نوشته شده است (همان: ۲۰).

مصنفک و تحفة الوزراء

در زمینه شرح احوال مصنفک، مطالب متنوعی در منابع متعدد آمده است: اما آنچه که خود مؤلف در «تحفة الوزراء» در شرح احوال خود آورده، موثق‌تر از سایر منابع است، اگرچه کامل نیست. شیخ علی بسطامی در باب هشتم از فصل ششم همین اثر در مورد

خود چنین می‌آورد: در سال ۸۰۳ در ولایت بسطام خراسان متولد شده و در سال ۸۱۲ برای تحصیل همراه برادرش به هرات مهاجرت کرده است. او خود را از اولاد/امام فخر رازی می‌داند و به این نسب افتخار می‌نماید. استادان او مولانا جلال الدین یوسف اوبهی (در عربی)، احمد امامی هروی (در عربی و تفسیر) امام عبدالعزیز ابهری (در فقه شافعی) محمد بن محمد علا (در فقه حنفی) هستند. او از استادان خویش به عنوان آباء روحی و معنوی خود یاد می‌کند و چنانکه از شرح حال او برمی‌آید وی در دو فقه شافعی و حنفی مجتهد بوده است. آثار متعددی از او برجای مانده که غالب آن‌ها به زبان عربی است. مانند شرح‌هایی که بر کتب متعدد نوشته است مانند شرح ارشاد، عقاید، مصباح، لباب، قصیده برده، وقایه، هدایه، مطالع و کشاف. آثار فارسی وی عبارت‌اند از «انوار الحدایق»، «حدایق الایمان و تحفة السلاطین» (تحفة الوزراء خلاصه و گزیده تحفة السلاطین). شیخ علی بسطامی به سبب آثار فراوانی که تألیف و شرح نموده، به مصنفک مشهور شده است. او در سال ۸۶۱ ق در ۵۷ سالگی به دستور وزیر عثمانی - محمود پاشا - اشتغال به تألیف «تحفة الوزراء» یا «تحفة المحمودیة» نمود (بسطامی شاهرودی، ۸۶۱: ۲۴۱ و ۲۴۲).

سال وفات مؤلف را ۸۷۱-۸۷۵ ق آورده‌اند (طاشکبری زاده، ۱۹۷۵: ج ۱، ۱۰۱؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ج ۹، ۴۷۵؛ مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ج ۵، ۳۲۲).

مهاجرت مصنفک به آسیای صغیر در سال ۸۴۸ ق مقارن با جلوس محمد دوم به سلطنت، صورت می‌گیرد. او در آغاز در ادرنه پایتخت سلطان عثمانی مستقر می‌شود و سیزده سال بعد در دار السلطنه ادرنه تألیف «تحفة الوزراء» را به پایان می‌برد. با انتقال پایتخت به استانبول او همراه با ملازمین سلطان بدانجا منتقل می‌شود و به عنوان عالمی مدرسی در دربار نقش ایفا می‌کند. البته محمد دوم با تثبیت حکومت خویش، برای ممانعت از نفوذ سیاسی مدرسین در دولت، وزیر اعظم خود را از میان طبقه غلامان انتخاب می‌کند. برای مثال محمود پاشا (همان که از مؤلف درخواست تألیف «تحفة الوزراء» را نمود) از غلامان برجسته و امرای ینی‌چری بوده که به عنوان وزیر اعظم انتخاب می‌شود (ابن کمال، ۱۹۷۰-۱۹۸۳: ج ۷، ۱۴). با کاهش تدریجی قدرت جریان مدرسی، دیگر برای پیشبرد مسائل سیاسی نیازی به فتوای عالمان دینی نبود. اگرچه در

منابع، درخواست فتوایی از سوی محمد فاتح ضبط شده است که صدور آن فتوا بر عهده مصنفک بوده است آنجا که محمد دوم به بوسنی لشکرکشی می‌نماید و حاکم بوسنی که تاب مقاومت نداشته، تسلیم می‌شود. محمد پاشا با او مصالحه می‌نماید اما سلطان این مصالحه را قبول نمی‌کند و از مصنفک استفتا می‌نماید و او فتوایی می‌نویسد به این مضمون که می‌توان عهد و پیمان میان حاکم بوسنی و وزیر اعظم را نادیده گرفت و سلطان به استناد این فتوا حاکم بوسنی را به قتل می‌رساند (نشری، ۱۹۹۵: ۷۶۴/۲-۷۶۶).

در زمینه اسباب مهاجرت علما به آناتولی در قرن نهم دلایل متعددی می‌توان ذکر نمود اما آنچه در مورد مؤلف «تحفة الوزراء» مصداق دارد عبارت‌اند از:

- نگاه مثبت او به مهاجرت. مصنفک در «تحفة الوزراء» یکی از دلایل عدم تعالی علمی پدران خود را، محصور شدن در یک محدوده جغرافیایی برمی‌شمارد و می‌توان چنین استنباط نمود که از نظر او، مهاجرت برای کسب تجارب بهتر و تعالی علمی یک ضرورت محسوب می‌شد.

- اوضاع پریشان ایران در قلمرو شاهزادگان تیموری، فضای توسعه علمی، هنری و فرهنگی را مخدوش کرده و علما و هنرمندان را از حمایت امر محروم می‌ساخت.

- حضور سلاطین پر قدرت و هنردوست و علم‌پرور در قلمرو عثمانی که برخی از آنان به زبان فارسی تسلط داشتند.

- اشتراک‌های فرهنگی دو دربار تیموری و عثمانی که هر دو حنفی مذهب بودند و به زبان فارسی آشنایی داشتند.

مصنفک در اواخر عمر از اینکه آشنایی با زبان فارسی رو به کاهش نهاده، شکایت می‌نماید و عدم اشتیاق خویش به تألیف آثار به زبان فارسی را به همین سبب می‌داند.

«تحفة الوزراء» تلخیص اثر حجیم «تحفة السلاطین» است. این اثر در ده باب تألیف شده که برخی فصول مطول آن (فصل دو و هشت) دارای فصل‌های متعددی است. این اثر با فضیلت علم و دانش آغاز و با ذکر رحمت حضرت باری پایان می‌گیرد. مؤلف در پایان رویکرد خود را در بخش بندی اثر توضیح می‌دهد و به سبب تقدم و تأخر ابواب اشاره می‌نماید.

به لحاظ محتوی، اثر «تحفة الوزراء»، در زمره اندرزننامه‌های سیاسی به شمار می‌آید که البته در آن شریعت بر سیاست پیشه گرفته است. مؤلف در آغاز بسته به عنوان هر باب به آیات، احادیث، اشعار و اقوال مراجعه می‌کند و سپس به عنوان تمثیل حکایاتی را می‌آورد. این اثر مشتمل بر ده باب، ده فصل، ۱۷ بیت شعر عربی، ۵۴ حکایت، ۳۵۰ بیت شعر فارسی، ۵ سوال، ۵ جواب، ۷ نکته، ۳ نصیحت، ۱ مشکل، ۱ حل و یک تنبیه است که تفصیل آن در اوراق بعدی ذکر می‌شود.

بازتاب شیوه و اندیشه غزالی در تحفة الوزراء

در سطور پیشین به تأثیر «احیاء علوم» بر سایر آثار فارسی، اشاره شد. جهت تبیین تأثیر رویکردها و افکار غزالی در موضوع پژوهش اخیر، لازم است به مقایسه این دو اثر در سه عرصه ساختار اثر، محتوی و متن و منابع توجه شود تا از طریق دریافت اشتراک‌ها، چگونگی این تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها آشکار گردد.

مقایسه ساختار احیاء علوم و تحفة الوزراء

«احیاء علوم» با بحث علم و معرفت آغاز می‌شود و با ذکر موت پایان، می‌گیرد. آخرین باب این کتاب در وسعت رحمت الهی است (غزالی، ۱۳۵۲: ۹۶۴/۴). غزالی در چگونگی تقسیم ابواب و فصول خود چنین می‌آورد: «آنچه مرا بر آن داشت که تا این کتاب بر چهار ربع بنا کنم دو باعث بود:

«باعث اول آنکه این ترتیب و تقسیم چهارگانه در تسهیل تحقیق و تفهیم این علم نیازی به برهان ندارد. زیرا علمی که برای آخرت به کار گرفته شود، دو قسم است: یکی علم معامله و دوم علم مکاشفه. به علم مکاشفه آن می‌خواهم که مطلوب از آن تنها کشف معلوم باشد و به علم معامله آن می‌خواهم که کشف معلوم با عمل همراه باشد، و مقصود از این کتاب علم معامله است نه علم مکاشفه زیرا در آوردن علم مکاشفه، در کتب رخصت نیست و علم معامله نیز دو قسم است: یکی علم ظاهر و آن علم اعمال جوارح تن است چون عبادات و عادات؛ دوم علم باطن و آن علم اعمال دل

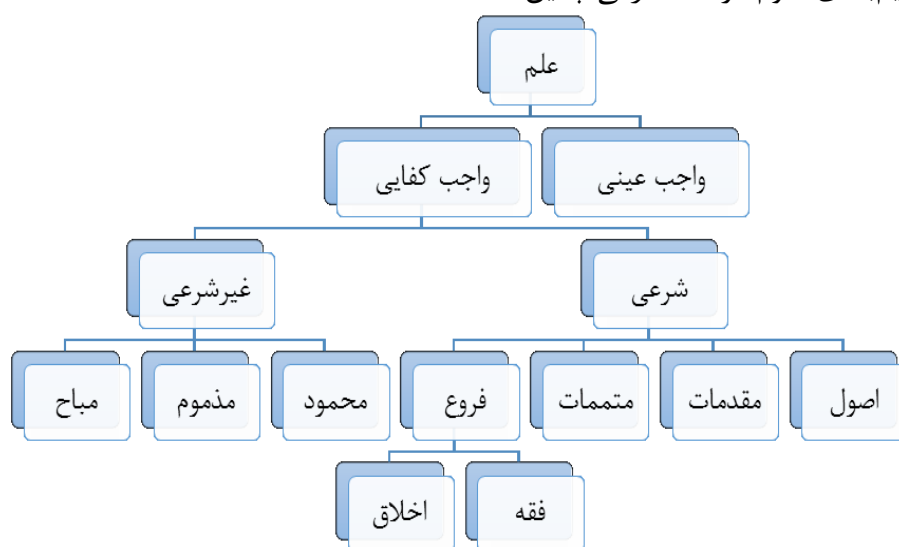
هاست چون مهلکات و منجیات. باعث دوم، چون علم فقه مرتب است بر چهار باب این کتاب را به صورت فقه در چهار ربع تدوین کردم و بر حسب ترتیب آن مرتب گردانیدم» (غزالی، ۱۳۵۲: مقدمه ۱۱ و ۱۲).

«احیاء علوم» به چهار بخش و هر بخش به ده باب تقسیم شده است که تأییدی بر ذهن منطقی و برهانی مؤلف است. او اگرچه با اندیشه یونانی ستیز دارد اما خود ذهنی انتقادگر و جدلی داشته، و می‌کوشد تا در مسائل وجوه مختلف و متغایر آن‌ها را بازیابد و خردمندانه به اعتدال فکری دست یابد. آغاز «احیاء علوم» با بحث علم و معرفت امری تصادفی نیست بلکه ذهن عقل‌گرای وی، از اسباب دسته بندی‌های مبدعانه وی در «احیاء علوم» است. از دیدگاه وی همه ارکان هستی ظاهر و باطنی دارد و معرفت آدمی به چهار عرصه خدا، خود، دنیا و آخرت تعلق می‌گیرد. هر یک از این عرصه‌های معرفتی متناظری دارند. متناظر خداوند، عبادت؛ متناظر دنیا، معاملات؛ متناظر خود، مهلکات و متناظر آخرت را منجیات نام می‌نهند. «این ربع‌ها یا پاره‌ها به لحاظ کمی مساوی نیستند، ربع عبادات کوچک‌ترین ربع و ربع منجیات بزرگ‌ترین ربع آن‌هاست. یعنی؛ ربع منجیات یک برابر و نیم ربع عبادات است. این ربع‌ها با خطبه‌ای مناسب موضوع آغاز می‌شوند و آنگاه آیات و اخبار مناسب آن‌ها در فصول جداگانه آورده و سپس به بیان حقیقت موضوع و احکام و فروع مختلف آن پرداخته می‌شود. در این میان احوال صالحان و اقوالشان مورد استفاده قرار می‌گیرد و حکایات بسیار و گاه غریب از صوفیان نقل می‌شود» (سروش، ۱۳۹۲: ۲).

غزالی گاه در پی نظم بخشیدن و برقرار کردن رابطه حلقه‌های استدلال با یکدیگر، از تمثیل هم بهره می‌گیرد. او می‌گوید: «پیغامبران با خلق سخن نگویند مگر به ضرب امثال زیرا که ایشان مکلف‌اند بدان که با مردمان به اندازه عقل ایشان سخن گویند» (غزالی، ۱۳۵۲: ۳۸/۴). به همین سبب ذهن منطقی و عقل‌گرای غزالی گاه از تأویل‌های شاعرانه خالی نیست. نمونه‌های تشبیه در «احیاء» فراوان است. مانند تشبیه کواکب و بروج به دستگاه پادشاهی (۷۵/۱-۷۶)، تشبیه علمای طبیعت و نجوم به مورچه (۵۷/۱-۵۹). او در نمونه‌ای از این تمثیل‌ها می‌نویسد: «پس رکوع و سجود و قیام و دیگر رکن‌ها به مثابت دل و سر و جگر است چه به فوات آن نماز فایت شود و دعای استفتاح و تشهد

اول به محل چشم و دست و پای که صحت نماز به فوات آن فایده نگردد و لکن مردم به سبب آن زشت خلقت و نکوهیده شود... و اما هیأتها و آن ماورای سنتهاست همچون اسباب جمال باشد از ابرو و مژه و محاسن و خوبی و لون» (همان: ۴۳/۲).

«احیاء» با کتاب «العلم» آغاز می‌شود آراء مهم معرفت شناسانه غزالی یعنی؛ شناخت فقه، کلام، تقسیم بندی علوم و بحث عقل و یقین در این کتاب آمده است. نمودار تقسیم بندی علوم در نگاه غزالی چنین است:



دو کتاب الحلال والحرام و الامر بالمعروف والنهي عن المنکر، در زمره سیاسی ترین، اجتماعی ترین و فقهی ترین کتابهای «احیاء علوم» است. ربع مهلکات هم حاوی نظریه های غزالی در زمینه اخلاق و روان شناسی است. آراء صوفیانه غزالی و دستاوردهای عزلت و سلوک باطنی وی در کتاب ششم «ذم الدنيا» آشکار می‌شود. وی منجیات را با توبه آغاز می‌کند و لطیف ترین بخش آن، کتاب محبت و شوق و انس و رضا است. آخرین و بلندترین کتاب از کتابهای چهل گانه «احیاء»، «کتاب ذکر الموت وما بعده» است و آخرین باب این کتاب در وسعت رحمت الهی است و در آن از طغیان قلم و از اقوالی که با اعمال اش موافق نیفتاده طلب استغفار می‌کند و کتاب را با دعایی به پایان می‌برد. (همان: ۹۶۴/۴).

دسته بندی امور، اولویت بندی آن‌ها و قرار دادن هر امری در جایی شایسته، از ویژگی‌های «احیاء علوم» است که نشان می‌دهد غزالی اهتمام بر تأسیس نظام جدید فکری داشته است. وی در این نظام تمایل دارد تا تصویری واقعی‌تر و عینی‌تر از جهان، مقولات انسانی و ارتباط‌های او، ارائه دهد تا خط یکسونگری در آن کم‌تر دیده شود. تأکید او بر معرفت و شناخت نفس اگرچه او را از فلاسفه دور و به عرفا نزدیک می‌سازد اما ذهن استدلالی و منطقی وی، رویکردی فلسفی به اندیشه او می‌بخشد.

اما «تحفة الوزراء» به لحاظ ساختاری در ده باب تدوین شده است. باب اول در بیان فضیلت علم و دانش و معرفت است. باب دوم که مشتمل بر چهار فصل است به امور اجتماعی و معاملات اختصاص دارد مانند چگونگی معاشرت امرا و وزرا با اصناف خلق، کیفیت معاش سلاطین و صفت پادشاهان و وزرا پیشین. باب سوم به اخلاق فردی و معامله آدمی با خود پرداخته و لزوم تجلی به صفات جمیله و تبری از صفات ذمیمه را مورد بررسی قرار داده است. باب چهارم بر شرف جوانمردی و سخا تمرکز دارد و باب پنجم به شرف توبه و بازگشت از مآثم. در باب ششم مصنف به امور اجتماعی برگشته و به شرف مرادات و مقاصد ارباب حاجت استناد جسته، و در باب هفتم به رعایا و مستحقان یادآوری نموده که وفاکردن با خداوند عطیت و شناخت حقوق ولی نعمت ضروری است.

باب هشتم یکی از مطول‌ترین باب‌های «تحفة الوزراء» (افزون بر باب دوم) شامل شش فصل است که مصنف در آن‌ها به حقیقت دنیا، مرگ، حکمت مرگ، حقیقت زیارت قبر، مراتب ارواح انسانی و امور متفرقه پرداخته است. باب نهم اختصاص به امر به معروف و نهی از منکر دارد و باب دهم در ذکر رحمت، مغفرت و شفقت حضرت باری است.

مؤلف در اوراق پایانی باب دهم علت انتخاب ساختار فوق را چنین توضیح می‌دهد: «شاید که به خاطر ناظر بگذرد که اختیار این ابواب را سبب چیست و باز افتتاح به باب علم و اختتام به باب رحمت به این ترتیب مخصوص از چه جهت است. جواب آن است که حضرت عزت آدمی را به عبث نیافریده است بل او را از برای طلب سعادت خود، آفریده است و سعادت او در شناختن حق است و چون مقصود اصلی و غرض اولی شناختن و خدمت کردن است لاجرم حضرت وهاب مطلق و معبود به حق او را دو قوه

بخشید که یکی را از آن دو قوه، قوه نظریه خوانند و دیگری را قوه عملیه گویند. مقصود از قوه نظریه معرفت حقایق اشیاست کماهی و مقصود از قوه عملیه قیام است به امور علی ما ینبغی. مقرر و مبرهن است که حکمت در انزال کتب و ارسال رسل، تکمیل نفوس بشریه است به اعتبار این دو قوه و فضایل و کمالات انسانی اگرچه بسیار است اما منحصر است در دو قسم. قسم اول، کمالاتی است که متعلق به قوه اولی است یعنی؛ کمالات عملیه که مکتسب است به قوه نظریه. قسم دوم، کمالاتی است که متعلق به قوه ثانیه است یعنی؛ کمالات عملیه که مکتسب است به قوه علمیه و قسم اول را حکمت علمیه گویند و قسم دو را حکمت عملیه خوانند و شک نیست که عمل موقوف است بر علم. و باب اول در کمالات علمیه است که مستفاد از قوه نظریه و چون علم مقدم است بر عمل لاجرم او را بر همه ابواب تقدیم نموده شد، و باقی ابواب در کمالات عملیه‌ای است که مکتسب است به قوه عملیه و مقتضای قیاس آن بود که تهذیب اخلاق (باب سوم) را بر معاشرت امرا (باب دوم) تقدیم کنید، لیکن چون غرض از وضع این کتاب بیان معاشرت امرا و وزرا بود، این باب به این اعتبار اهم است و تقدیم اهم شرع قدیم و سنت بلاغت است.

اما وجه تقدیم باب جود و جوانمردی (باب چهارم) بر باب توبه (باب پنجم) آن است که جود موقوف علیه است زیرا که حاصل جود، ایثار و ترک است و تا این معنی محقق نگردد، توبه میسر نگردد لاجرم توبه بر خسیس به غایت دشوار است و بر جوانمرد به غایت آسان زیرا که او از سر دنیا بلکه از سر نفس خود به آسان تواند گذشتن.

اما وجه تقدیم باب توبه (باب پنجم) بر باب آوردن مقاصد و مرادات ارباب حاجات (باب ششم) آن است که توبه متعلق به تکمیل نفس خودپرست و اعطاء مراد متعلق به تکمیل غیر و کمال نفس مقدم است بر تکمیل غیر، زیرا که تا کسی کامل نباشد دیگری را کامل نتواند ساخت.

اما وجه تقدیم باب آوردن مقاصد و مرادات (باب ششم) بر باب شناختن حقوق ولی نعمت (باب هفتم) آن است که این در تحقیق به آن راجع است زیرا که مطلوب ولی نعمت آن است که حق او را فراموش نکنند و مراد او رعایت حقوق اوست، پس در تحقیق این اعطاء مراد غیر است.

و اما وجه تقدیم باب شناختن حقوق ولی نعمت (باب هفتم) بر باب ذم دنیا و بی‌وفایی او (باب هشتم)، آن است که در حقیقت این موقوف است بر آن، زیرا که ولی نعمت حقیقی حضرت حق است و هر کس حقوق او را شناخت، دنیا در نظر او مذموم شد و بی‌وفایی او بر وی ظاهر شد و چون این معنی محقق شود، امر به معروف و نهی از منکر (باب نهم) آسان شود و به تحقق انجامد. چون مطلوب از همه آن است که ختم کار بر رحمت کردگار واقع شود لاجرم ختم کتاب بر باب رحمت اختیار کرده شد» (بسطامی شاهرودی، ۸۶۱ ق: ۲۷۸-۲۸۱).

از مطالب فوق چنین می‌توان نتیجه گرفت که اشتراک در موارد ذیل همگونی ساختاری دو اثر «احیاء علوم» و «تحفة الوزراء» را به روشنی آشکار می‌نماید.

- «احیاء علوم» اثری است که تلخیصی به نام «کیمیای سعادت» دارد و مصنف هر دو اثر محمد غزالی است و «تحفة الوزراء» نسخه موجز و مختصر «تحفة السلاطین» است که مصنف هر دو علی بسطامی شاهرودی است.

- باب اول هر دو اثر در بیان معرفت و فضیلت علم و دانش است.
- در پایان ابواب در هر دو اثر به ذکر حقیقت موت و حکمت آن پرداخته می‌شود.
- هر دو با ذکر وسعت رحمت و مغفرت الهی پایان می‌گیرند.
- هر دو مصنف در آثار خود به اسباب تبویب و تقسیم بندی فصول اشاره نموده‌اند با این تفاوت که «احیاء علوم» در مقدمه بدان پرداخته و «تحفة الوزراء» در خاتمه و مبنای تقسیم بندی در «احیاء علوم» کتب فقهی و در «تحفة الوزراء» عقلی و کلامی است. لازم به یادآوری است که عدم تطابق چینش باب‌ها و فصول در دو اثر گاه تابع موضوع اثر است چنانکه مصنفک خود یادآوری می‌کند که به سبب غرض و مقصد کتاب، برخی فصول را مقدم داشته است. «احیاء علوم» اثری اخلاقی‌تر از «تحفة الوزراء» و «تحفة الوزراء» اجتماعی‌تر از «احیاء علوم» است.

مقایسه متن و محتوای احیاء علوم و تحفة الوزراء

«احیاء علوم» اثری است مشتمل بر تصرفی عالمانه که به زبانی روان و گیرا تصنیف شده است. این اثر از تکلف و شطح و گزافه‌گویی خالی و سرشار از نکته سنجی‌های

اخلاقی و رواکارانه است. *غزالی* برای هر عنوانی در آغاز به آیات، احادیث استناد می‌جوید و حکایت‌هایی را هم در همان زمینه ذکر می‌کند که به مراجع آن اشاره نمی‌نماید. *غزالی* به سبب تصنیف «احیاء علوم» در مقدمه کتاب اشاره می‌نماید و می‌نویسد: «راهبران جهان آخرت، عالمانی توانند بود که وارثان پیامبران باشند، عالمانی که اکنون روزگار از وجودشان خالی گشته...؛ و بدین سبب علم دین مندرس شده و آثار یقین ناپیدا گشته است این گروه به خلق چنان وانمود کرده‌اند که اقسام علم از سه بیرون نیست:

یکی، علم فتوای احکامی که حاکم و قاضی را بدان حاجت باشد تا چون ناکسان و فرومایگان دچار نزاع و خصومت شوند و چون سگان به جان هم افتند، دفع نزاع و قطع خصومت آنان ممکن گردد.

دوم، علم جدل که وسیله مباحثات و تفاخر شده و هر برتری جویی می‌کوشد که خصم عقیدتی خویش را به یاری آن سرکوب سازد یا به اجبار به خاموشی وادارد.

سوم، علم سجع‌پردازی و بازی با الفاظ که مذکران را وسیله‌ای شده تا با نیروی آن عوام را بفریبند، و اوباش را در حلقه مریدان خود جای دهند و چون تکیه این عالم نمایان بر این سه فن دامی شده است برای طلب حرام و دست یافتن به مال و مقام، و حقیقت علم راه آخرت و آن چه سلف صالح بر آن بوده اند در میان خلق بی‌رونق و متروک گشته است (علمی که در قرآن فقه و حکمت و نور خوانده شده) تحریر کتاب «احیاء علوم الدین» را بسیار مهم دانستم تا علوم دین احیاء پذیرد و راه‌های پیشوایان گذشته آشکار گردد» (*غزالی*، ۱۳۵۲: ۱۱/۴ و ۱۲).

غزالی در احیاء از مناظره و بحث و جدل دوری می‌کند و به تفکر و ارشاد اخلاقی تمایل نشان می‌دهد. افکار او در سه مسأله قدیم بودن عالم، عالم نبودن خداوند به جزئیات و انکار معاد جسمانی با فلاسفه مغایرت داشت. *غزالی* با اسماعیلیه و باطنیه هم مخالفت داشت و در رد افکار آنان کتاب نوشت. او در اخلاق مشرب صوفیان را داشت.

وی در دو کتاب حلال و حرام و امر به معروف و نهی از منکر در «احیاء علوم» به نشر اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خویش می‌پردازد. مثلاً در بحث حلال و حرام، تصرف در اموال موجود در جامعه و جهان را (حتی در صورت غلبه حرام) جایز می‌داند و می‌گوید

وقتی همه چیز حرام شود، همه چیز حلال خواهد شد و سپس عمل مردم را در چنین شرایطی به پنج قسم منقسم می‌کند، و وظایف سلطان را توضیح می‌دهد و فتاوی فقیهان دیگر را باطل می‌نماید، و به این نتیجه می‌رسد که بهتر است اهل دنیا به دنیا مشغول باشند تا دین که ملک آخر است در امان بماند (غزالی، ۱۴۰۳: ۱۰۷/۲-۱۰۹).

یا در کتاب امر به معروف و نهی از منکر، کلام *غزالی* شباهتی تام دارد با مباحثی که امروزه در فلسفه سیاست بدان پرداخته می‌شود. وی در این باب به ارکان و شروط امر به معروف، اصناف منکرات، وظایف محتسبان و آحاد مردم اشاره می‌کند.

جهان بینی صوفیانه *غزالی* در کتاب «ذم الدنيا» بیش از سایر باب‌ها و فصول احیاء، آشکار می‌گردد (کتاب ششم از ربع مهلکات). *غزالی* در این باب به انبوهی از اخبار، آثار و امثله توسل می‌جوید تا ثابت کند که دنیا بر مدار غفلت می‌چرخد. وی معتقد است که فقط با سن سیاست و تأدیب و قناعت به حاجت‌های ضروری می‌توان از آن رها شد. (همان: ۱۰۹/۲).

در کتاب «ذکر الموت وما بعده» که آخرین و بلندترین کتاب از چهل کتاب «احیاء علوم» است، *غزالی* ضمن پرداختن به احوال انسان هنگام مرگ، رستاخیز، محاسبه اعمال و... به کشف و استبصار خود اشاره می‌نماید. وی در این زمینه احادیثی از پیامبر نقل می‌کند و از قول معترضان خدشه‌هایی به آن وارد کرده و سپس خود در مقام پاسخگویی بدان برمی‌آید (شیوه‌ای که مکرر در «تحفة الوزراء» مورد استفاده قرار می‌گیرد) (همان: ۵۰۱/۴ و ۵۰۲).

غزالی در بیان احادیث و حکایاتی که به آن‌ها استناد می‌جوید، منبعی ذکر نمی‌کند و خواننده را به کتاب و مصنف دیگری هم ارجاع نمی‌دهد بلکه ضمن استشهاد جستن به آن‌ها، در پروردن معانی مورد نظر خود از آن‌ها بهره گرفته و سپس به شرح و بسط آراء خود می‌پردازد. درونمایه حکایت‌های وی غالباً تربیتی و اخلاقی است و قصدش از ایراد این حکایت‌ها آوردن تمثیل و تأییدی بر گفته‌های خویش است.

«تحفة الوزراء» همچون «احیاء علوم» اثری تربیتی و اخلاقی است که به سبب عنوان و موضوع اثر، در آن جنبه اخلاق اجتماعی بر جنبه اخلاق فردی، غلبه دارد. مصنف اثر در زمینه‌هایی چون تفسیر، لغت، کلام، تصوف، فقه و ادب فارسی تسلط داشته لذا در

میان آنچه قصدش را دارد از همه این اسباب و توانایی‌ها بهره می‌گیرد. اگر *غزالی* در تصنیف «احیاء علوم» بسیار تحت تأثیر «قوت القلوب» و «رساله قشیریه» بوده، علی بسطامی شاهرودی در تصنیف «تحفة الوزراء» از «تفسیر کبیر»/امام فخر رازی (از اجداد پدری‌اش) و «احیاء علوم» *غزالی* بهره‌ها برده است.

نثر «تحفة الوزراء» بر خلاف نثر «احیاء علوم» یکدست نیست. مقدمه آن مصنوع و متکلف است اما حکایت‌ها، نثری ساده و مرسل دارند. در مقدمه باب‌ها و فصول نمونه‌هایی هرچند اندک از نثر مسجع را می‌توان مشاهده کرد. غالب ویژگی‌های نثر دوره تیموری را در این اثر می‌توان یافت. «تحفة الوزراء» اگرچه به فارسی تألیف شده اما کاربرد زبان و لغات عربی در آن چشمگیر است. استفاده از این شیوه در ادوار پیشین مسبوق به سابقه بوده و کاتبان و نویسندگان در زمره اقشاری محسوب می‌شدند که در توسعه ادبیات دو زبانه مؤثر بودند. «این خبرگی و مهارت در نویسندگی مجالی برای آنان فراهم آورده بود تا به فضل فروشی و نمایش نوشته‌هایشان در میان رقبای ادبی بپردازند و علاوه بر تدوین آثار منظوم و منثور در گسترش دو زبان و آمیزش و اختلاط آن نقشی در خور داشتند» (جعفری، حسین‌جانزاده و یزدانی، ۱۳۹۸: ۳۰۶). مؤلف در توضیح و تفسیر عربی نویسی خویش علت را اینگونه توضیح می‌دهد: «فی الجملة چو حلیه اختصار مرعی است و غرض از کلام افهام است، طریقه اختصار و وتیره ایضاح، سلوک کرده آمد آمیخته به زبان عربی. لانه اخصر و اظهر و اشرف. پس هر زبانی و کلامی که از این زبان خالی باشد نزد خرد او را وقعی و مکنتی نباشد. اذ هو لسان القرآن و لسان النبی فی آخر الزمان» (بسطامی شاهرودی، ۸۶۱: ۲۵).

حکایت‌ها غالباً با عبارات ویژه‌ای چون «آورده‌اند که، مخبران اخبار و ناظران عقود اخبار آورده‌اند و ...» آغاز می‌شوند. نثر اثر منزّه و عقیف است. اگرچه مؤلف گاه چون *غزالی* ابناء، علما و بزرگان روزگار خویش را به باد انتقاد می‌گیرد. قصد مصنفک از آوردن حکایت‌ها و اشعار و ابیات فارسی و عربی، تهذیب نفس بزرگان و خواص جامعه است تا در مراوده با اصناف خلایق به عدالت رفتار کنند. تسلط او به متون ادب فارسی بسیار کارگشاست به خصوص آنکه استفاده از اشعار فارسی، فضای حاکم بر «تحفة الوزراء» را تلطیف می‌نماید. مصنفک همچون *غزالی* در «احیاء علوم» مطابق با عنوان فصول و

باب‌ها، به استشهادهایی از قرآن، اخبار، احادیث، اقوال و امثله، تمسک جسته و بر حسب ذوق و مشرب خویش از شعر شعرای دو حوزه زبان فارسی و عربی بهره می‌گیرد. برخی حکایت‌های ذکر شده در این اثر با آثار منشور فارسی چون «مرزبان نامه»، «گلستان» سعدی و ... مشابهت و برخی دیگر از حکایت‌ها جنبه تاریخی دارند. در بررسی که در صحت احادیث این اثر به عمل آمد، غالب آن واجد منبع و در زمره احادیث صحیح هستند. گاه ذوق و مشرب مؤلف در ذکر ابیاتی که به وسیله خود او سروده شده است، نمایان می‌شود. مصنفک شاعر نیست اما به شعر فارسی عشق می‌ورزد. کاربرد سیصد و پنجاه بیت شعر فارسی و ۱۷ بیت عربی حکایت از این علاقه و انس دارد. مصنفک چون غزالی گاه به منابع حکایات و اشعار خویش اشاره نمی‌کند و بیش‌تر متوجه مقصود تربیتی مطالب است. در طرح برخی موضوع عقلی و یا تفسیر برخی آیات و لغات، خود را به جای شنونده می‌نشانند و سؤال‌های مفروضی را که ممکن است به ذهن شنونده متبادر شود، طرح نموده و در صدد پاسخگویی به آن‌ها برمی‌آید. برای مثال در واقعه تاریخی صلح حدیبیه، عمر نزد بوبکر به پیامبر انتقاد می‌نماید که چرا پیشنهاد مشرکین را در محو نام رسول الله می‌پذیرد و بوبکر پاسخ مناسبی می‌آورد. مصنفک با اشاره به این واقعه سؤالی مطرح می‌کند و می‌نویسد: «شاید که به خاطر ناظر بگذرد که این کلام چگونه صحیح باشد از مثل عمر و حال آنکه شک در دین و اهانت حضرت سید المرسلین کفر است».

در «تحفة الوزراء» ۵ سؤال، ۵ جواب، ۷ فایده، ۳ نکته، ۱ نصیحت، ۱ شکل، ۱ حل، ۱ تنبیه آورده شده که همه این موارد به نوعی گفت‌وگوهای درون یک موضوع است که نویسنده در جای خواننده و مخاطب قرار می‌گیرد و چالش‌های ذهنی بحث را واکاوی می‌کند.

شاهرودی در «تحفة الوزراء» به ۱۵۰ آیه و ۶۲ حدیث استناد جسته و گاه با مدد گرفتن از «تفسیر کبیر»/امام فخر رازی به شرح لغات و تبیین کلمات و واژگان آیات پرداخته است، برای مثال در فصل اول باب دوم در کیفیت معاش سلاطین و پادشاهان به آیه ۲۶ سوره ص و ۴۷ سوره توبه ارجاع داده و سپس احادیثی از بخاری، مسلم و بودر نقل کرده است و در شرح و تفسیر آیه ۲۶ سوره ص صفحات متعددی را به لغت

عربی نگاشته است تا بحث را به سرانجام برساند(همان: ۵۰-۶۶). باب اول «تحفة الوزراء» همانند احیاء با بحث معرفت و فضیلت علم و دانش آغاز و با ذکر رحمت خداوند متعال پایان می‌گیرد. اگر در «احیاء علوم» بلندترین کتاب «ذکر موت» بود در «تحفة الوزراء» بنا بر ضرورت موضوع باب معاشرت امرا و وزرا با اصناف خلق(دوم) و ذم دنیا و حقیقت موت(هشتم) از مطول‌ترین باب‌های این اثرند. مؤلف در باب نهم که اختصاص به امر به معروف و نهی از منکر دارد بر خلاف *غزالی* که در نقش یک نظریه پرداز ظاهر می‌شود، به ذکر استشهادها بسنده می‌نماید. آیه ۱۰۴ از سوره آل عمران، حدیثی صحیح، حکایت‌هایی از *ابوعبیده جراح*، *عائشه* و *یوشع* از جمله استنادهای مصنف هستند. و چون در مفصل «تحفة الوزراء» یعنی؛ همان «تحفة السلاطین»، به قانون نصیحت و شروط متعلق به ناصح و سامع پرداخته، از تکرار که مخل اختصار است خودداری کرده است.

مصنفک در باب هشتم به صورت مفصل در مذمت دنیا و بیان حقیقت موت، استنادات فراوانی آورده و سپس به حکمت و فواید مرگ پرداخته و موضوع زیارت قبور را پیش آورده است. از نظر مؤلف مراتب ارواح انسانی در مسیر دنیا تا موت، متفاوت است، اکثر ارواح از محبت و معرفت حق تهی است و فقط دعوی معرفت می‌کنند آن هم از راه تقلید، یا مصلحت، گروهی هم از معرفت و محبت حق برخوردارند و گروهی در زمره «اولیائی تحت قبائی لا یعرفهم غیری» که بی نام و نشان هستند(همان: ۲۲۲-۲۲۴).

اهم نکات بدست آمده در این بخش به صورت موجز عبارت‌اند از:

- «احیاء علوم» به لحاظ محتوا اثری اخلاقی و تعلیمی است و تمرکز موضوع و استنادات بر اخلاق فردی و اجتماعی است اما «تحفة الوزراء» اگرچه اثری تعلیمی و اخلاقی است اما جنبه اخلاق اجتماعی در آن(بنا بر ضرورت عنوان و موضوع) پررنگ‌تر و مشهودتر است و ذوق ادبی مؤلف موجب استفاده از اشعار و ابیات و حکایت‌های ادبی گردیده است.

- شاکله شرح و تبیین موضوع‌ها و عناوین اگرچه در هر دو شباهت فراوان به یکدیگر دارد اما نظم کلامی، انسجام و هم‌بافتی در متن «احیاء علوم» چشمگیرتر است.

- «تحفة الوزراء» فاقد هر نوع نظریه‌پردازی محتوایی است و در واقع اندرزنامه‌ای است که بازتاب تجارب دیگران و اندوخته‌های مؤلف است اما در «احیاء علوم»، *غزالی*

چنان تجارب بزرگان و اندوخته‌های خویش را پرداخت می‌کند که از درون این آمیختگی نظریه‌های سیاسی و اخلاقی - تربیتی شاذی ظهور می‌کند که سال‌ها مورد نقد و بررسی است. البته تقسیم‌بندی و نظم بخشی مطالب که حاصل ذهن منظم و ریاضی‌وار غزالی است در این مهم نقش ویژه ایفا می‌کند.

- تمرکز موضوعی، نظم بخشی به موضوع‌ها و عناوین، نثر یکدست و قلم روان و تجربه‌های شخصی و درونی غزالی و احساس ضرورت بر نوشتن مطالب و محتوای «احیاء علوم»، اثر غزالی را در جایگاه یک نمونه قرار داده است تا مؤلف «تحفة الوزراء» با علم به این دقایق اهتمام ورزد ضمن الگو قرار دادن «احیاء علوم»، به غزالی تاسی نماید و در همین اثر در هفده مورد به غزالی و اثر او استناد جوید.

مقایسه منابع احیاء علوم و تحفة الوزراء

گسترده‌گی و تنوع مباحث در «احیاء علوم»، حاکی از تنوع منابع و مآخذ آن است. غزالی در این اثر کم‌تر به منابع خویش اشاره می‌کند.

نصرت‌الله پورجوادی معتقد است که «غزالی نه فقط مفاهیم و اصطلاحات و تعبیرات و جملات را از کتاب‌های دیگران به عاریت گرفته، بلکه حتی بخش‌هایی کامل از کتاب دیگران را برگرفته و در کتاب خود آورده است، بدون اینکه حتی اشاره‌ای به مآخذ خود بکند یا رد پای به جا گذارد» (پورجوادی، ۱۳۸۱: ۲۱۷).

البته یافتن مآخذ کتاب «احیاء علوم» با توجه به عدم اشاره غزالی به آن‌ها، دشوار است زیرا از یک سو غزالی مطالب اخذ شده از دیگران را با تراوش‌های ذهنی خود چنان در هم آمیخته که تفکیک آن دشوار است. از سوی دیگر در گذر زمان هم برخی منابع یا از دست رفته و با برخی از آن‌ها به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌هاست و به چاپ نرسیده است. «احیاء علوم» شامل موضوع‌ها و عناوین متنوع فقهی، فلسفی، کلامی، حدیثی، عرفانی و... است. تعدد این عناوین، پژوهش در منابع آن را دشوار می‌نماید و صد البته استفاده از منابع غیر اسلامی سبب گسترش این حوزه می‌گردد و در نتیجه شناسایی مآخذ را دشوارتر می‌سازد.

غزالی نگارش «احیاء علوم» را در سال‌های پایانی عمر خویش آغاز کرد. گرایش به تصوف هم در همین سال‌ها سبب شد که مطالب و موضوع‌های این اثر، متأثر از منابع

اهل تصوف باشد. چنانکه خود در «المنقذ من الضلال» اشاره می‌نماید: «پس از آنکه... با همت روی به تصوف نهادم به تحصیل علم ایشان از راه مطالعه کتاب‌هایشان مانند «قوت القلوب»/ابوطالب مکی و کتاب‌های حارث محاسبی و سخنان پراکنده جنید و شبلی و بایزید بسطامی و مشایخ صوفیه پرداختم» (غزالی، ۱۳۶۲: ۴۶).

نصرت‌الله پورجوادی در سه مقاله جداگانه که یکجا در کتاب دو مجلد به چاپ رسیده، معتقد است که در مباحث حسن خلق، سخاوت، ایثار، تواضع، محبت و شوق، اخلاص، صدق، مراقبه، تفکر و رؤیا تحت تأثیر «تهذیب الأسرار» بوده است (پورجوادی، ۱۳۸۱: ۲۱۸-۲۵۷). در مبحث توکل، حسن خلق و اقوال مشایخ در هنگام مرگ متأثر از «رساله قشیری» (همان: ۲۵۸-۲۶۳) و در بحث سماع و وجد از منابعی چون «اللمع»/ابونصر سراج و «قوت القلوب»/ابوطالب مکی بهره برده است.

عبدالرحمان بدوی در مقاله منابع یونانی غزالی اشاره دارد به آنکه غزالی در باب «معاقبه نفس و توبیخ وی» تحت تأثیر کتاب «معاذلة النفس» هرمس یا افلاطون بوده است (بدوی، ۱۳۹۱: ۲۸۸-۲۹۴). غزالی در بحث از چگونگی تهذیب اخلاق و در موضوع رذایل اخلاقی پیرو حکمت عملی ارسطو است. به همین سبب همانگونه که امراض جسمانی را به ضد آن معالجه می‌کنند، امراض نفسانی را نیز باید به ضدش علاج کرد (غزالی، ۱۳۶۴: ۱۱/۲). برخی می‌گویند غزالی در این دیدگاه متأثر از ابوعلی مسکویه است اما قطعاً از ریشه‌های یونانی آن خبر داشته است.

جلال الدین همایی در مقاله خود تحت عنوان «اخلاق از نظر غزالی» می‌گوید: «از جمله مآخذ مهم غزالی در نقل کلمات اخلاقی... آثار اخلاقی و تاریخی قدیم ایران از قبیل پندنامه‌های منسوب به انوشیروان، اردشیر و شاپور ساسانی و امثال آنهاست» (همایی، ۱۳۵۰: ۱۰۴). البته پرفسور هانری دوفوشه کور، پا را از این هم فراتر نهاده است و ساختار «احیاء علوم» را متأثر از اندرزنامه‌های کهن دانسته و می‌گوید: «در واقع غزالی تمام مفاهیم مورد نظر خود را با همان نظم و ترتیب از اندرزنامه‌ها برگرفته و در مواقع لزوم و برای توجیهات ضروری، از آیات قرآن و احادیث نبوی و اقوال و حکایات مشایخ صوفیه استفاده کرده است» (دوفوشه کور، ۱۳۷۷: ۳۰۵). طبیعتاً این تنوع و وسعت منابع در اثر «تحفة الوزراء» رو به فزونی گرفته است به دو جهت: یکی اینکه، گذشت چند قرن

از «احیاء علوم»، سبب افزایش منابع گردیده لذا طبیعی است که مؤلف «تحفة الوزراء» آثار بیش‌تری را در دسترس داشته باشد بالأخص خود «احیاء علوم». عامل دوم به ذوق ادبی علی بسطامی شاهرودی بازمی‌گردد که او را واداشته در این اثر از اشعار خود و شاعران نامدار ایرانی بهره ببرد، اگرچه مؤلف «تحفة الوزراء» گاه همچون غزالی به منابع اشاره نمی‌نماید اما فهرست اشخاص اثر، به روشنی بازتاب منابع نقل قول‌ها و حکایت‌های وی است.

در «تحفة الوزراء» تأثیر دو منبع «تفسیر کبیر» رازی و «احیاء علوم» غزالی محرز است و مؤلف خود بدان اذعان دارد. وی در صفحات متعددی با عنوان حجة الاسلام از غزالی یاد کرده و به سخنان او استناد جسته است (۳۵، ۵۹، ۶۳، ۸۱، ۸۴، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۶) و گاه سخنان خود را با کلامی از غزالی متقن ساخته است. او با توجه به زمینه سخن از منابع مختلف بهره می‌گیرد آنجا که اشارات تاریخی دارد، به شخصیت‌های متعددی چون آدم، ابراهیم، سلیمان، موسی، محمد (ص)، خلفای راشدین، ابوعبیده جراح، ابویوب انصاری، بلال حبشی، سلطان سنجر، محمد خوارزمشاه، خاندان برمکیان و ... استناد جسته و قولی یا حکایتی را از آنان ذکر می‌کند. در موضوع لغت به سعد الدین تفتازانی و در فلسفه یونانی به ارسطاطالیس (ارسطو) استناد می‌کند. منابع نقل او در حدیث عبارت‌اند از مسلم و بخاری (صاحب صحاح) ابن عباس، عایشه، ابوهریره و ابن جریج. در تصوف وی به منابع و مأخذ متنوعی ارجاع می‌دهد از جمله ابوالقاسم کلابادی، امام یافعی، یحیی معاذ رازی، حاتم اصم، سهل بن عبدالله التستری، ابوعلی الدقاق، ابوالقاسم قشیری، ذوالنون، ابونصر سراج، جنید بغدادی، ابوسعید ابی‌الخیر، ابوالحسن خرقانی، سفیان ثوری و ...

در فقه منابع مطالب وی عبارت‌اند از محمد بن ادریس شافعی، ابوحنیفه، ابن سریج و ابن جریج. اما همانگونه که در سطور پیشین اشاره رفت، بیش‌ترین مطالب را از امام فخر رازی (جد پدری‌اش) و امام محمد غزالی نقل می‌نماید.

مصنفک در شعر و ادب فارسی به سه شاعر شهیر ایرانی، خاقانی، مولوی و سعدی ارادت داشته و ابیاتی را از آنان ذکر کرده که برخی از آنها امروزه در دیوان‌های این شعرا مضبوط نیست. این نکته می‌تواند نشان‌گر آن باشد که مؤلف به منابعی دسترسی

داشته است که اکنون در دسترس نیست. مصنف «تحفة الوزراء» در این اثر از شعرای دیگری چون فردوسی، نظامی، عطار و فرخی ابیاتی را به تناسب موضوع و عنوان آورده است.

نمونه‌هایی از نقل قول‌های مصنفک از «احیاء علوم»:

- القلب کالکف فاذا اذنب العبد انقبض القلب و اذا اذنب ذنباً آخر انقبض ثم یطبع علیه و هو الرین کذا فی التفسیر الکبیر و فی روایة الاحیاء ان ذلک هو القفل (همان: ۱۰۸).

- ما ذکره الامام- رحمه الله- فی احیاء العلوم و هو ان الشکر عبارة عن استعمال النعمة فی اتمام الحکمة (همان: ۱۱۹).

- آن سلطان عالم مجد و معالی /امام محمد غزالی- رحمه الله- در کتاب احیاء آورده است که محمد بن واسع که یکی از بزرگان سلف بود، هر روز جمعه به زیارت قبور رفتی. گفتند: اگر تأخیر کنی و در دوشنبه رفته شود، بهتر باشد... (همان: ۱۵۸).

- حجة الاسلام در احیاء العلوم و سیف الاسلام در «تفسیر کبیر» آورده است که ایمان را دو رکن است... (همان: ۱۸۹).

مصنفک در ذکر احادیث به جای استناد کردن به کتب حدیث به «احیاء علوم» ارجاع می‌دهد و این نکته نشانه تأثیر قوی «احیاء علوم» و مؤلف آن بر وی است همچنان که مکرر این عمل را در مورد «تفسیر کبیر» /امام فخر رازی انجام می‌دهد.

اگرچه شیوه کار هر دو مصنف در استفاده از منابع بی‌شبهت به همدیگر نیست اما تفاوت‌های زیر هم مشهود است.

- شیوه غزالی در استفاده از منابع خلاقانه و مبدعانه است آنگونه که مطالب اخذشده از منابع را با اندیشه‌های فردی خویش چنان می‌آمیزد که پرداختی جدید می‌یابد و خواننده در غالب اوقات از آن مطلب بوی تازگی و نوآوری استشمام می‌نماید.

- منابع مورد استفاده غزالی، حول محور شرع و تصوف و تفکر می‌چرخد اما مصنفک به شعر و ادبیات فارسی و عربی هم به عنوان منبعی جهت تعلیم و تهذیب اخلاق اجتماعی نگریسته است.

نتیجه بحث

تداوم و پیوستگی تولیدات فکری و فرهنگی بشر، نسل کنونی را وامدار پیشینیان خواهد کرد لذا جست‌وجوی آثار گذشتگان در میراث به جا مانده از آنان، کاری غریب محسوب نمی‌شود. کاوش در آن مواریث و افزایش تجارب هر نسل بدان سرمایه‌ها، نه تنها سبب غنا و تعمیق آن سرمایه‌ها خواهد شد بلکه زمینه کنکاش را در نسل‌های آتی فراهم خواهد آورد.

«احیاء علوم» نمونه‌ای از این مواریث معنوی است که بر پایه دانش اصحاب سلف خویش استوار گشته و راهنمای روشن‌گر اصحاب خلف خود شده است.

همانندی عصر دو مؤلف «احیاء علوم» و «تحفة الوزراء» و تشابه فکری آن‌ها در پایبندی بر شریعت، ضرورت تصنیف این دو اثر را موجب می‌شود؛ اگرچه این ضرورت در غزالی درونی‌تر و حاصل تجربه‌های شخصی وی است در حالی که مصنفک به تقاضای وزیر عثمانی اقدام به تألیف اثرش می‌نماید. مخاطبین غزالی در «احیاء علوم» عامه انسان‌ها هستند در صورتی که در «تحفة الوزراء» خواص سیاسی جامعه پیش‌تر مورد خطاب قرار می‌گیرند.

هر دو اثر را می‌توان اندرنامه‌ای سیاسی مبتنی بر شریعت دانست که در سال‌های پایانی عمر دو مؤلف نگاشته شده است. اما در «احیاء علوم» رسالت غزالی زنگارزدایی از چهره دین است در حالی که «تحفة الوزراء» ضمن پاسداشت از شریعت، سیاسیون را به بازگشت به شریعت فرا می‌خواند. «احیاء علوم» تلخیصی به نام «کیمیای سعادت» دارد چنانکه «تحفة الوزراء» خلاصه و زبده اثری حجیم به نام «تحفة السلاطین» است. در ساختار هر دو اثر اشتراک‌های چشمگیری قابل مشاهده است، آغاز، پایان، تقسیم بندی باب‌ها و فصل‌ها و ذکر اسباب این شیوه از فصل بندی در هر دو اثر شباهتی تام به هم دارد. اگر تفاوتی هم در اولویت بندی عناوین به چشم می‌خورد تابعی از عنوان اثر است چنانچه در «تحفة الوزراء» به اموری از شریعت که با زیست اجتماعی بشر مرتبط است، عنایت بیشتری می‌شود.

سبک نثر هر اثر متأثر از زمان خویش است. هم‌بافتی، انسجام و نظم کلامی در «احیاء علوم» بیش از «تحفة الوزراء» به چشم می‌آید، اگرچه در تفصیل عناوین شیوه هر

دو مؤلف در استناد جستن به آیات، احادیث، اخبار، اقوال، حکایات و امثله یکسان است اما در پرداخت مطالب، *غزالی* مبدعانه‌تر و درونی‌تر عمل می‌کند؛ به همین سبب نثر او تأثیرگذارتر است. در بهره‌گیری از منابع، بدان سبب که هر دو اثر شامل موضوع‌های متنوعی است، هر دو مؤلف از منابع متعددی بهره گرفته‌اند اما همواره خود را ملزم به ذکر منابع ندانسته‌اند. منابع «احیاء علوم» غالباً بر محور شریعت، تفسیر، حدیث، فقه، تصوف، فلسفه و ... قرار دارد اما «تحفة الوزراء» به همه آن منابع، آثار ادبی را هم می‌افزاید و کمیت ابیات استفاده شده در این نسخه گواه علاقه مؤلف، در این زمینه است چنانکه همین شیوه را *غزالی* در «نصیحت الملوک» به کار می‌بندد.

کتابنامه

- ابن عساکر، علی. ۱۹۸۳م، **تاریخ مدینه دمشق**، عمان: دار البشر.
- ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد. ۱۴۰۶ق، **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**، تحقیق محمود الارناووط، بیروت: دار ابن الکثیر.
- ابن کمال (کمال پاشازاده)، احمد بن شمس الدین. ۱۹۷۰-۱۹۸۳م، **تواریخ آل عثمان**، ج ۷، شارفتین توران، آنکارا: انجمن تاریخی ترکیه.
- بدوی، عبدالرحمن. ۱۳۹۱ش، **منابع یونانی غزالی، فرهنگ ایرانی و اندیشه یونانی**، ترجمه سید مهدی اسفیدوجانی، تهران: علم.
- بسطامی شاهرودی، علی. ۸۶۱ق، **نسخه خطی تحفة الوزراء**، ترکیه: کتابخانه ایاصوفیه.
- پورجوادی، نصراله. ۱۳۸۱ش، **دو مجدد**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دوفوشه کور، شارل هانری. ۱۳۷۷ش، **اخلاقیات**، ترجمه محمدعلی امیر مقری و عبدالمحمد روح بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زبیدی، محمد. ۱۳۱۱ق، **انحاف السادة المتقین بشرح احیاء علوم الدین**، قاهره: مطبعه المیمیه.
- سبکی، عبدالوهاب. ۱۳۸۸ق، **طبقات الشافعیة الکبری**، به کوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- سروش، عبدالکریم. ۱۳۹۲ش، **احیاء علوم الدین**، دایرة المعارف اسلامی، ج ۷، ص ۲۹۷۸.
- طاشکبری زاده، احمد بن مصطفی. ۱۹۷۵م، **الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة**، ج ۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۵۲ش، **احیاء العلوم**، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۶۲ش، **شک و شناخت (ترجمه المنقذ من الضلال)**، مترجم صادق آئینه‌وند، تهران: امیرکبیر.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۶۴ش، **کیمیای سعادت**، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۹۴ق، **المنقذ من الضلال**، به کوشش عبدالحلیم محمود، قاهره: دار الکتب المصری.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۴۰۳ق، **احیاء علوم الدین**، بیروت: دارالکتب العربی.
- الفاخوری و الجر، حنا و خلیل. ۱۳۷۷ش، **تاریخ فلسفه در جهان اسلامی**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مدرس تبریزی، محمدعلی. ۱۳۶۹ش، *ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*، ج ۵، تهران: کتابفروشی خیام.
نشری، محمد. ۱۹۹۵م، *جهان نما*، به کوشش فایق رشید اونات و محمد آلتای کویمن، آنکارا: انجمن تاریخی ترکیه.

مقالات

یزدی اودلو، عظیم. ۱۳۸۴ش، «اندیشه‌های سیاسی ابوحماد محمد غزالی»، *کیهان فرهنگی*، آذرماه هشتاد و چهار، شماره ۲۳۰، صص ۲۶-۳۱.
جعفری، حسین‌جانزاده و محمد یزدانی و زهره فریبرز. ۱۳۹۸ش، «ادبیات دو زبانه سلجوقی و تحولات زبان فارسی و عربی»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، بهار، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۲۹۷-۳۱۶.
همای، جلال الدین. ۱۳۵۰ش، «اخلاق از نظر غزالی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، آذرماه، شماره ۷۶، صص ۶۹-۱۱۲.

Bibliography

- Ibn Asaker, Ali; 1983; *History of the City of Damascus; Oman; Darolbashar.*
Ibn Emad Hanbali, Abdulhay Bin Ahmad; 1406 Lunar Hegira; *Shazaratuzzahab Fi Akhbar Men Zahab; Research by Mahmoud Al-arnavoot; Beirut' Dar Ibn Kathir.*
Ibn Kamal (Kamal Pashazadeh), Ahmad bin Shamseddin, 1970-983; *Histories of Al-Ottoman; vol. 7; Sharafatin Tooran; Ankara; Turkish History Society.*
Badavi, Abdulrrahman; 1391 (2012), *Greek sources of Ghazali, Iranian Culture and Greek Thought*, translated by Seyed Mehdi Esfidojani; Tehran, Elm.
Shahroudi Bastami, Ali; 861, *Tohfatulvozara Manuscript, Ayasofia Library.*
Pour Javadi, Nasrollah, 1381 (2002); *Two Again*, Tehran, University Publication Center.
Jafari & Hosseinjanzadeh & Yazdani, Mohammad & fariborz & zohreh, 1398 (2019), *Seljuk's Bilingual Literature and Diachronic of Persian and Arabic Languages, Comparative Literature Studies*, Spring 2019 vol. 13, No. 49, P 297-316.
Dufosh Cor, Charles Henry, 1377 (1998), *Ethics*, translated by Mohammad Ali Amirmagahri and Abdolmohammad RouhBakhshan; Tehran, University Publication Center.
Zobeidi; Mohammad, 1311 Lunar Hegira; *Athafulsadeh Almotaghin Be Sharh Ehyaul Olumoddin*; Cairo, Almaymania Print House.
Sebki, Abdolvahab; 1388 Lunar Hegira, *Tabaghatul Shafeia Alkobra*; under patronage of Abdufatah Mohammad Halou and Mahmoud Mohammad Tanahi; Cairo; Dar Ehya AlKotob Al-Arabia.

Soroush, Abdolkarim, 1392 (2013), Ehyaul Olumoddin, Islamic Encyclopedia, vol. 7, p 2978.

Tashakbari Zadeh, Ahmad Bin Mostafa; 1975; Ashshaghayeghul Nomania Fi Olame Dolatolosmania; vol. 1; Beirut; Darulketab Al-arabi.

Ghazali, Abuhamed Mohammad, 1352 (1973) Ehyaul Olum, translated by Moayduddin Mohammad Kharazmi, under patronage of Hossein Khadivjam; Tehran; Iran Cultur Foundation Publication.

Ghazali, Abuhamed Mohammad, 1364 (1985); Kimiaye Saadat; under patronage of Hossein Khadivjam; Tehran; Scientific and Cultural Publication .

Ghazali, Abuhamed Mohammad 1362 (1983), Shakk va Shenak t (Doubt and recognition) (translation of Almonghaz Mennal Zalal), translator: Sadegh Ayeinehvand, Tehran, Amirkabir

Ghazali, Abuhamed Mohammad 1975; Almonghaz Mennal Zalal by Abdolhalim Mahmud, Cairo, Darolkatib Almesri

Ghazali, Abuhamed Mohammad, 1982, Ehyaul Olum Dinn; Beirut: Darolketab Alarabi
Alfakhori Val Jarr hanna and Khailil, 1998; History of Philosophy in the Islam World; translated by Abdolhamid Ayati, Tehran, Elmi & Farhangi (Scientific and Cultural) Publication.

Modarres Tabriz, Mohammad Ali, 1990, Reyhaneh Aldob Fe Tarajomol Maroufin Belkonieh O Alghalb, volume 5, Tehran, Khayyam Bookstore

Nashri, Mohammad, 1995, Jahan Nama by Faye q Rashid Onat and Mohammad Altay Koyman, Ankara, Historical Association of Turkey

zadi Odlo, Azimi, 2005; Political Thoughts of Abuhamed Mohammad Ghazali, Keyhan Farhangi (Keyhan Culture), December 2005, Vol. 230, Pp 26-31.

Homayee, Jalaleddin, 1971, Ethics in Ghazali's View, Journal of Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, December, Vol. 76, Pp 69-112.

**Al-Ghazali's Footsteps in "Tohfa Al Vozara" by Ali Ibn Majd Aldin
Shahroudi Bastami (Musannifek)**

Mina Sadat Amiraftebi: PhD Candidate, Persian Language & Literature,
Islamic Azad University, North Tehran Branch

Asghar Dadbeh: Professor, Persian Language & Literature, Allameh
tabatabaei University,

Abstract

"Revival of Religious Sciences" book is considered as Ghazali's precious record during his secession. Although the mentioned work has countless opponents and proponents, it has had an everlasting impact on science and literature pioneers. Since "Tohfa Al Vozara" was written four centuries after "Revival of Religious Sciences", it is one of the works that has been influenced by Ghazali's method of promoting sciences and ethics. Of course, this influence is not limited to the structure of the work, but the commonality and similarity of the social conditions of both authors, their intellectual structure and political ideas as well as the sources and references of these two works clearly show the influence of Ghazali's approach and ideas on Ali Shahroudi Bastami. The author intends to introduce "Tohfa Al Vozara" and its writer beside the impact and reflection of Ghazali's ideas in "Revival of Sciences" on this work. On one hand, the importance of this paper is in dealing with a work that has been written in non-Persian language communities and its author, like the work itself, has remained unknown until now and on the other hand it reveals Ghazali's distinctive and extensive influence throughout the history of Islamic culture.

Keywords: Ghazali, Revival of Religious Sciences, Musannifek, Tohfa Al Vozara.